

ارائه مدل مفهومی رابطه بین کیفیت برونداد آموزش عالی و توسعه پایدار بر اساس رویکرد سیستمی

احسان پروین^۱

سعید غیائی ندوشن^۲

شراره محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۵

تاریخ وصول: ۹۳/۱/۲۲

چکیده

آموزش، اثربخش‌ترین ساز و کار جامعه برای مقابله با یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های این قرن؛ یعنی توسعه پایدار است. توسعه پایدار به انسان‌های کل نگر، دارای تفکر سیستمی، بینش میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای، آگاه، خلاق و مشارکت‌جو نیاز دارد. تولید منابع انسانی واجد شرایط فوق، نیازمند کیفیت بالای عناصر و عوامل نظام آموزشی (ورودی، فرایند، خروجی و پیامد) در راستای توسعه پایدار می‌باشد. نظام آموزش عالی و نیروی انسانی متخصص، نقشی کلیدی در توسعه پایدار هر جامعه‌ای ایفا می‌کند. دانشگاه‌ها باید به‌عنوان مکان‌های تحقیق و مطالعه برای توسعه پایدار تلاش کنند. آموزش عالی باید بتواند بهترین راه بهره‌برداری از منابع و امکانات محدود را کسب کند. هدف: هدف این پژوهش طراحی مدلی برای کیفیت برونداد نظام آموزش عالی در رسیدن به توسعه پایدار بر اساس رویکرد سیستم آموزشی باشد، برای رسیدن به توسعه پایدار باید بتوان هماهنگی و تعامل بین اجزا توسعه را به وجود آورد. روش: در این مقاله از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و به شیوه تحلیلی اسنادی صورت گرفته است. نتیجه‌گیری: نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که برای رسیدن به توسعه پایدار، نظام آموزشی یکی از عناصری است که می‌توان راه رسیدن به توسعه را هموار سازد و مسیر آن را به سوی توسعه هموار هدایت کند اما مقوله‌ی مهمی که در آموزش برجسته است کیفیت محصولات و بروندادهای نظام آموزشی است.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، توسعه پایدار، تضمین کیفیت، رویکرد سیستمی.

۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی و مسئول مکاتبات Ehsan_parvin@yahoo.com

۲- استادیار دانشگاه علامه طباطبایی Ghiasi.saeed@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان Shararemohammadi@gmail.com

مقدمه

اهمیت آموزش و پژوهش، به‌ویژه در سطوح عالی بر هیچ کس پوشیده نیست این امر، پیش‌نیاز توسعه پایدار هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. تحقق توسعه پایدار، منوط به برخورداری نظام آموزش عالی کارآمد با تربیت نیروهای کیفی- علمی و افزایش سهم تحقیق و پژوهش در جامعه است. بدین ترتیب اهمیت آموزش به‌ویژه در سطوح عالی تأثیرانکارناپذیری در توسعه بخش‌های گوناگون اقتصادی و کیفیت هر جامعه دارد. جهان آموزش عالی دستخوش تغییرات سریع و عمیقی است که دستگاه‌های آموزشی را مجاب کرده است تا برای تضمین کیفیت زندگی در برقراری ارتباطات پاسخگو باشند. این تغییرات از تعدادی عوامل مانند انفجار دانش و اطلاعات، حرکت بیشتر به سمت سرویس‌های پایگاه اطلاعاتی، حرکت بیشتر به سمت وابستگی متقابل جهانی، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری و فراخوانی برای شفافیت و پاسخگویی آموزشی بیشتر، نشأت می‌گیرد (مگود و کرون، ۲۰۱۲).

نخستین کار اساسی نظام آموزشی و در رأس آن، آموزش عالی، ایجاد نظام شخصیتی متناسب با توسعه است که در آن، ارزش‌ها، هنجارها، انگاره‌های ذهنی و ساختارهای شناختی پیش‌نیاز توسعه، از طریق آموزش در افراد جامعه به وجود خواهند آمد (جاودانی، ۱۳۹۲). نظام‌های آموزش عالی در کشورهای مختلف، در اثر تحولات جهانی در دو دهه گذشته، با روندهایی روبه‌رو شده‌اند که نه تنها فرآیند عملیاتی آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده، بلکه هدف‌های آن‌ها را متحول کرده است (بانک جهانی، ۲۰۰۲). برای نمایان کردن کیفیت یک واحد سازمانی آموزش عالی لازم است شواهدی عرضه شود که نمایان کنند برنامه‌ها و فعالیت‌های آن واحد متناسب با هدف‌های آن است (بازرگان، ۱۳۸۲). برای هر نظام آموزش عالی به‌طور اعم و برای نظام‌های دانشگاهی به‌طور اخص، سه کارکرد اصلی مورد توجه بوده است:

1. Ben A. maguad & Robert m. Krone
2. World bank

الف) تولید دانش اشاعه و تسهیل کاربرد آن (پژوهش)؛

ب) تربیت نیروی انسانی (آموزش)؛

ج) عرضه خدمات تخصصی.

و در راستای کارکردهای یادشده از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که:

۱. دسترسی به آموزش عالی را تسهیل کنند؛

۲. رابطه برنامه‌های آموزشی با نیازهای جامعه زیرپوشش خود را افزایش دهند؛

۳. کیفیت فعالیت‌های دانشگاهی را به‌طور مستمر بهبود بخشند (بازرگان و اسحاقی،

۱۳۸۷). بازرگان^۱ راه‌حل بهبود کیفیت آموزشی را ایجاد سازوکار مناسب و کارآمدی برای ارزیابی می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که اهمیت ارزیابی از آن جهت است که واقعیت یا کیفیت آنچه می‌خواهد محقق شود تعیین می‌گردد. ارزشیابی آموزشی به یک فعالیت رسمی گفته می‌شود که برای تعیین کیفیت، اثربخشی یا ارزش یک برنامه، فرآورده، پروژه، فرآیند، هدف یا برنامه درسی به اجرا درمی‌آید.

دانشگاه با حضور خود در محیط و با جذب محیط به سوی خود مصداق بارز سیستم باز است. بحث ظهور، اوج و فروپاشی دانشگاه بیش از پیش واقعیت پیدا می‌کند. این ارتباط با عناصر انسانی دانشگاه (کیفیت آن‌ها) میسر می‌شود. در این رقابت نقش این عناصر انسانی در کیفیت مدیریت و کیفیت تولید اطلاعات اساسی است (یمینی، ۱۳۸۲).

مرور ادبیات

در ادبیات نظری جامعه‌شناسی و اقتصاد، پیشرفت و توسعه را گاه در معنای محدود، توسعه اقتصادی دانسته‌اند و گاه با تعریفی گسترده توسعه پایدار قلمداد کرده‌اند. پیشرفت و توسعه، چه در معنای محدود و چه در مفهوم جامع آن، بستری است که رشد علم و فناوری و تربیت نیروی متخصص و کارآمد آن را بارور می‌سازد. اگر نهاد آموزش عالی را زمینه‌ای بدانیم که در آن

1. Bazargan

علم در معنای ناب آن حرکت شتابان به خود می‌گیرد و نیز تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد حاصل آن محسوب می‌شود، پر بیراه نخواهد بود اگر این نهاد اثرگذار را مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عامل در ارتباط با توسعه قلمداد کنیم. پیوند میان آموزش عالی و توسعه پایدار همواره موضوعی بحث‌برانگیز بوده است. در یک‌سو تصور می‌شود که وجود دانشگاه برآورنده نیازهای مادی و اقتصادی جامعه پیش رو است و در سوی دیگر این پیش‌فرض وجود دارد که دانشگاه‌ها صرفاً در خدمت منافع اقتصادی نیستند، بلکه در تحولات فکری، ایدئولوژیک و غیرمادی نیز نقشی محوری ایفا می‌کنند (گاف و اسکات^۱، ۱۳۸۹).

ارتباط بین آموزش عالی و توسعه پایدار موضوع بحث‌برانگیزی است. از یک طرف تصور می‌شود که وجود دانشگاه‌ها به خاطر رفع نیازهای جامعه آینده به مهارت‌های مورد نیاز است. از طرف دیگر دانشگاه‌ها صرفاً در خدمت منافع اقتصادی نیستند، بلکه در کارهای فکری و ارتقای اخلاقی شرایط بشری نقش‌آفرین هستند.

از لحاظ کاربردی، برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان، فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و پژوهش کافی نیست، بلکه نکته مهم، به‌کارگیری آن‌ها در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقاء درجه بهره‌برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش بنیان را مقدور می‌نماید (اسمولدرز، ۲۰۰۷).

براساس تحقیقی که فراستخواه (فراستخواه، ۲۰۰۶) درباره الگوی اعتبارسنجی با بررسی تطبیقی ۲۰ نهاد تضمین کیفیت در آموزش عالی در ۱۶ کشور مختلف جهان انجام داده است، در سطح بین‌المللی ارزیابی درونی نخستین مرجع اطلاعاتی برای تضمین کیفیت آموزش عالی تلقی می‌شود و در مجموع، متجاوز از ۹۰٪ نظام‌های بررسی شده در تحقیق مزبور ارزیابی درونی را پایه‌ای برای اعتبارسنجی آموزش عالی و نظام تضمین کیفیت دانسته‌اند.

1. Gaf & skot

توسعه با هر رویکردی، نیازمند برخورداری از ویژگی‌ها و قابلیت‌های انسانی است که آموزش و به‌ویژه آموزش عالی، در ایجاد این فرایند نقش اصلی را ایفا می‌نماید. لرنز (۱۹۶۴) معتقد است اگر انسان‌ها خوب آموزش ببینند، زمینه برای حرکت به سوی نوگرایی فراهم خواهد شد. مانوئل کاستلز^۱ در عنوان کتاب خود (عصر اطلاعات، پایان هزاره، با رویکردی عمل‌گرایانه) در بررسی عوامل توسعه کشورهای آسیایی، ضمن اشاره به برخی عوامل سیاسی-اقتصادی که موجبات توسعه را فراهم می‌کنند، یکی از عوامل مشترک در پیشرفت این کشورها را دسترسی به نیروی کار تحصیل کرده‌ای می‌داند که می‌توانست در طول فرایند ارتقای صنعتی، مهارت‌های تازه‌ای بیاموزد (جاودانی، ۱۳۹۱).

ناظمیان و اسلامی فر (۱۳۸۹) پژوهشی درباره اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار انجام دادند. با توجه به اینکه توسعه پایدار بنا به تعریف باید متضمن دستیابی به تولید سرانه بالاتر، اصلاح الگوی توزیع درآمد و بهبود محیط زیست باشد، آن‌ها به طراحی یک مدل تحلیلی کلان برای بررسی رابطه دانش پایگی با توسعه اقتصادی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در سطح جهانی، رابطه معنی‌داری میان توسعه اقتصادی و درجه دانش پایگی اقتصاد وجود دارد. این بررسی همچنین به تحلیل این فکر پرداخته که گسترش آموزش و تحقیقات علمی محض، به‌تنهایی برای ارتقای سطح توسعه‌یافتگی کافی نبوده و پیشرفت علمی و اقتصادی، مستلزم تحول محیط اقتصادی در طول زمانو کاربردی شدن پیشرفته در متن زندگی اقتصادی، به‌ویژه در فرایند جهانی شدن، تولید و تجارت است.

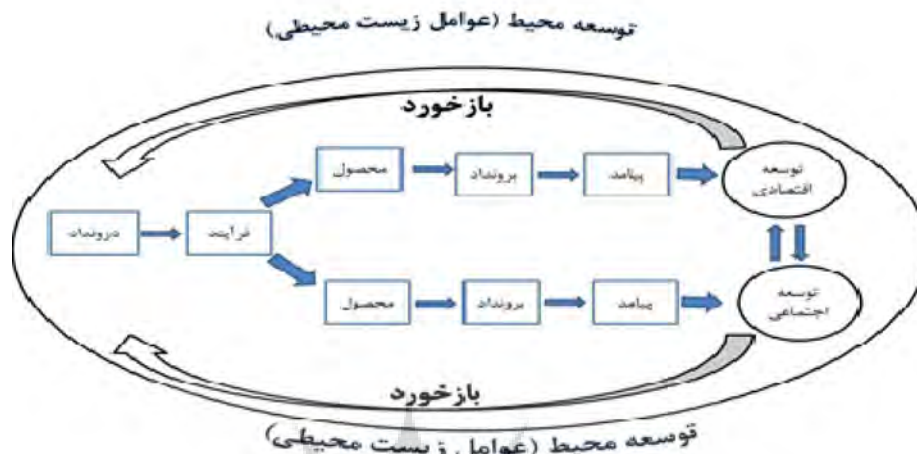
توسعه پایدار

پایدار به این معناست که هیچ چیزی تغییر ننماید. همچنین، به معنای مدینه فاضله‌ای که هیچ چیز رخ ندهد نیست. یک جامعه پایدار در پی بقاء و بهبود مشخصه‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی یک ناحیه است تا اعضای آن بتوانند سالم، بهره‌ور و با لذت به ادامه حیات پردازند.

به رشد اقتصادی همراه با حفظ کیفیت محیطی و تقویت سایر ابعاد توسعه اشاره می‌کند؛ بنابراین توسعه پایدار به حفظ تعادل بین نیازهای افراد به منظور بهبود سبک زندگی، حس خوب بودن از یکسو و حفظ منابع طبیعی و اکوسیستمی از سوی دیگر است که نسل ما و نسل آینده به آن وابسته است، تمرکز توسعه پایدار تنها بر موضوعات محیطی نیست بلکه، دربرگیرنده سه سیاست کلی اقتصادی، محیطی و اجتماعی است (سوسارلا و نازراث، ۲۰۰۷). وقتی از توسعه پایدار صحبت می‌شود، منظور توسعه‌ای است که به بقای بشر و رفاه کامل و همه‌جانبه آن می‌نگرد. توسعه پایدار با تمام زنجیره‌ها، فرآیندهای پویا، منابع انسانی، منابع طبیعی و نظام سخت‌افزاری جامعه در یک شکل تعاملی است و درصدد ایجاد تعامل بین حال و آینده، انسان و طبیعت و عدالت و رفاه بین و درون نسل‌هاست (عیوضی، ۱۳۸۵). به نظر می‌رسد دانشگاه در فرایند توسعه نقش برجسته‌ای دارد که می‌تواند جامعه را به سمت توسعه حرکت دهد و به پیش ببرد.

ارائه و تشریح مدل کیفیت نظام آموزشی براساس رویکردی سیستمی و ارتباط آن با توسعه پایدار

این مدل بر اساس رویکرد و تفکر سیستمی طراحی شده است که دران دروندادهای واحد آموزشی وارد سیستم می‌شوند و طی یک سازوکار که همان فرآیند است به صورت محصول، برونداد و پیامد وارد محیط می‌شوند و چرخه باز سیستم دانشگاهی را نشان می‌دهد. ما برای رسیدن به توسعه پایدار باید بتوانیم سه مؤلفه اقتصاد، اجتماع و زیست‌بوم که همان توسعه محیطی است را در نظر بگیریم.



شکل ۱. مدل مفهومی

بحث در مورد مؤلفه‌های مدل پیشنهادی

توسعه اقتصادی

منظور از توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی توانمندسازی افراد آموزش دیده است. فایده‌های اقتصادی آموزش دارای ارزش‌های اجتماعی و فردی می‌باشد که آموزش از یک سو توانایی و قدرت تولید و در نتیجه درآمد افراد را ارتقا می‌دهد و از سوی دیگر هر قدر افراد تحصیل کرده بیشتری در جامعه باشد قدرت تولید کالاها و خدمات در آن جامعه افزایش خواهد یافت و به رشد اقتصادی بیشتری دامن خواهد زد. آموزش علاوه بر آثار مستقیم فردی و اجتماعی دارای آثار غیرمستقیم فراوان دیگری نیز هست. آموزش به‌طور غیرمستقیم بر رفتار و هنجارهای فردی اثر می‌گذارد و در بینش و ارزش افراد تغییر و تحولات مثبتی را به وجود می‌آورد (عماد زاده، ۱۳۸۸). جامعه‌ای که دارای افراد تحصیل کرده باشد، بهتر تصمیم می‌گیرد، بهتر برنامه‌ریزی می‌کند و اهداف عالی‌تری را برمی‌گزیند؛ بنابراین فایده‌های غیرمستقیم آموزش نیز بسیار مهم و قابل ملاحظه هستند.

توسعه اجتماعی

ابعاد مختلف توسعه اجتماعی شامل پنج وجه زیر است:

۱. مسئله نخست سرمایه اجتماعی است. توسعه همه‌جانبه و پایدار بدون اعتماد اجتماعی، تعهد اجتماعی و مشارکت فعال مردمی متحقق نمی‌شود.
۲. مسئله دوم هویت از یک‌سو، وفاق و یکپارچگی اجتماعی از سوی دیگر است.
۳. مسئله سوم پدیده حاشیه‌ای شدن است. بقا و دوام توسعه و ارتقای آن مستلزم فقرزدایی با مشارکت فعال خود مردم، حاشیه زدایی از گروه‌های اجتماعی مانند زنان و روستاییان، قطبی زدایی از ثروت و توانمندسازی واقعی مردم مانند تقویت اجتماعات محله‌ای است.
۴. مسئله چهارم کیفیت زندگی است. رشد کمی درآمد، سواد، تحصیلات و امید به زندگی بدون ارتقای سطح کسب مطلوبیت مردمان در اوقات فراغت خود و کیفیت واقعی زندگی آنان کافی خواهد بود.
۵. مسئله پنجم ضرورت حساب پس دهی نهادهاست (فراستخواه، ۱۳۸۹).



شکل ۲. توسعه اجتماعی پاسخی به پنج وجه مسئله شناختی در فرآیند توسعه (فراستخواه، ۱۳۸۹)

در مجموع توسعه اجتماعی به فرآیند توانمندسازی گروه‌های اجتماعی از طریق تحول نهادها، قواعد و هنجارها در راستای سه مؤلفه اصلی یعنی: کلیت بیشتر، همبستگی بیشتر و

پاسخگویی بیشتر اطلاق می‌شود که هدف نهایی از آن تعمیم کیفیت زندگی برای مردم است (بانک جهانی، ۲۰۰۶).

توسعه محیطی

مهم‌ترین مؤلفه در این مدل توسعه محیطی یا همان زیست‌محیطی است. از آنجاکه نظام آموزشی برای رسیدن به اهداف خود باید از منابع استفاده کند و چون منابع نامحدود است به‌ناچار برای رسیدن به اهداف و نتایج مسئله انتخاب و اولویت‌بندی به وجود می‌آید. به دلیل اینکه منابع محدود هستند و نیازها نامحدود، باید بتوانیم بین خواسته‌ها اولویت‌بندی کنیم و برای رسیدن به توسعه پایدار که همانا توجه به نسل آینده برای اختصاص دادن منابع است گام برداریم. این عامل از توسعه پایدار بر روی دیگر عوامل تأثیر بیشتری دارد به طوری که عوامل دیگر را در خود جای می‌دهد زیرا توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون در نظر گرفتن عوامل و منابع محیطی هیچ سود و منفعتی ندارد. به‌طور کلی، رسیدن به توسعه پایدار (اقتصاد، اجتماع، محیط) بدون هماهنگی و تعامل بین این سه مؤلفه به‌هیچ‌وجه صورت نمی‌گیرد یعنی باید این سه عنصر باهم تعامل داشته باشند تا بتوانند یک توسعه مطلوب را رقم بزنند. مهم‌ترین این عناصر همانا محیط و منابع است که کل نظام آموزشی و مؤلفه‌های توسعه را شامل می‌شود و کیفیت در خروجی‌های نظام آموزشی با استانداردهای از قبل تعیین شده باعث رسیدن به توسعه و کاهش هزینه‌ها و صرفه‌جویی در منابع می‌شود و نشانه‌های توسعه در یک جامعه هست (همان منبع).

دانشگاه و توسعه پایدار

توسعه با هررویکردی، نیازمند برخورداری از ویژگی‌ها و قابلیت انسانی است که آموزش به ویژه آموزش عالی در ایجاد آن نقش اصلی را دارند. همان‌گونه که بسیاری از اندیشمندان از

جمله لرنر^۱ به نقل از جاودانی (۱۹۴۶) بر این باورند که اگر انسان‌ها خوب آموزش ببینند زمینه حرکت به سمت نوگرایی فراهم خواهد شد، اما نباید فراموش کرد که عرضه هرگونه آموزش به‌مثابه آموزش عالی نمی‌تواند پیامدها و اثراتی داشته باشد که به تولید سرمایه بیانجامد. نیروهای دانش‌آموخته کشورها افزون بر برخورداری از مهارت‌ها، توانایی فراگیری مهارت‌ها را نیز باید داشته باشند. با توجه به دگرگونی در ساخت تولید که موجب شکل‌گیری نهادهای شبکه‌ای شده است، بهره‌وری در اصل، از نوآوری، توان رقابت و نرمش سرچشمه می‌گیرد و هر دو آن‌ها به کیفیت آموزش و به‌ویژه آموزش عالی بستگی دارد، براین اساس میان نیروی کار عمومی و نیروی کار خود برنامه‌ریز تفاوت وجود دارد و این تفاوت ناشی از کیفیت آموزش است (جاودانی، ۱۳۹۲).

آموزش و پرورش یک ابزار ضروری برای دستیابی به پایداری است. مردم در سراسر جهان می‌دانند که در حال حاضر روند توسعه اقتصادی پایدار نیست و آگاهی عمومی، آموزش و پرورش و کارآموزی در راستای حرکت جامعه به سمت پایداری ضروری است. افراد درباره مدت توسعه پایدار به مباحثه می‌پردازند و اینکه آیا امکان‌پذیر است یا نه. آن‌ها دیدگاه‌های مختلفی نسبت به جامعه پایدار خواهند داشت (تایباری^۲، ۲۰۰۲). برای توسعه پژوهش و فن‌آوری، بالا بودن کیفیت در آموزش عالی و افزایش اقدامات لازم نقش مهمی در تلاش برای رسیدن به اهداف توسعه ملی بازی می‌کند (پیلای^۳، ۲۰۱۰). تحولات تکنولوژیکی و سازمانی ممکن است مهارت‌ها را به سرعت منسوخ کند. آموزش فرآیندی است که از طریق آن نیروی کار، توانایی بازتعریف پیوسته مهارت‌های لازم را برای یک کار معین و دسترسی به منابع یادگیری این مهارت‌ها به دست می‌آورد. هرکسی که در حیطه مناسب تعلیم ببیند می‌تواند خود را متناسب با وظایف دائماً در حال دگرگونی فرایند تولید تنظیم کند.

1. Lerner
2. Tilbury
3. Pillay

جهان امروز دریافته است که آموزش افراد، نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هر کشوری که در این راه تلاش بیشتری نماید، بدون شک از رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری در آینده برخوردار خواهد شد. سرمایه انسانی که در نتیجه آموزش حاصل می‌شود، از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. «هاربینسون» در این زمینه اظهار می‌دارد: «منابع انسانی، پایه‌های اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. سرمایه و منابع طبیعی، عوامل تبعی تولیدند. درحالی‌که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند، از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند، سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را متراکم می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند. به‌وضوح کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحوی مؤثری بهره‌برداری می‌نماید، قادر نخواهد بود هیچ‌چیز دیگری را توسعه بخشد» (عماد زاده، ۱۳۸۸). نقش آموزش در رشد اقتصادی و افزایش درآمد افراد، مقوله ایست که از دیرباز از دیدگاه‌های متفاوت اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل هزینه - فایده آموزش، کارایی و اثربخشی آن در مقوله رشد اقتصادی و توسعه، دارای سابقه طولانی می‌باشند؛ اما به نظر می‌رسد به منظور نهادی کردن مفهوم توسعه پایدار در سال‌های اخیر، نیازمند بازنگری اساسی در مفهوم آموزش سنتی هستیم تا به مفهوم آموزش توسعه‌ای و نقش آن در تعمیق هرچه بیشتر توسعه پایدار بپردازیم (ساخارو پولوس، ۱۳۷۳). تجربه سال‌های اخیر ثابت نموده که مقوله آموزش بدون در نظر گرفتن الگوهای رفتاری و نگرشی توسعه، صرفاً موجب ارتقای اطلاعات آموزش دیده شدگان و شاید نتواند نقش مؤثری در توسعه پایدار ایفا کند (سلطانی، ۱۳۸۳).

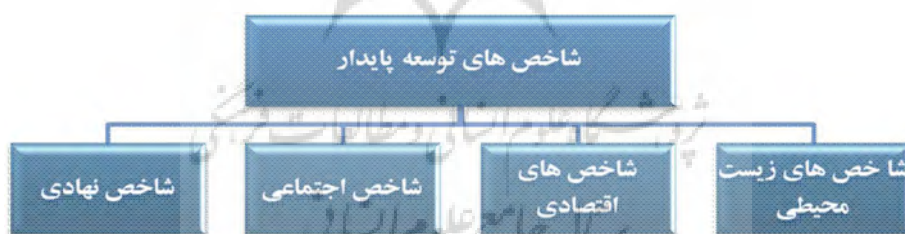
دانشگاه‌ها نقش مهمی در آموزش نسل‌های آینده، در انتشار اطلاعات درباره توسعه پایدار، توسط رهبران آموزش، با مهارت‌های لازم برای حل مسائل محلی و منطقه‌ای از چشم‌انداز جهانی و میان‌رشته‌ای ایفاء می‌نمایند (سامیت^۱ به نقل از جونز^۲، ۲۰۱۰). مطالعات

-
1. Summit
 2. Jones

علمی چند دهه اخیر و تغییر سوگیری در سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی و کوتاه‌مدت در عرصه‌های جهانی و بین‌المللی، همگی حکایت از آن دارد که میان سطح توسعه‌یافتگی و کیفیت تناسب نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش عالی کشورها، ارتباط گسست‌ناپذیری وجود دارد (همان منبع).

شاخص‌های توسعه پایدار

شاخص کمیته است به عنوان نماینده کمیت‌های همگن متعدد. اعداد شاخص وسایل اندازه‌گیری، مقایسه و سنجش پدیده‌هایی هستند که دارای ماهیت مشخص و حداقل دارای یک خاصیت مشخص‌کننده می‌باشند. شاخص ابزاری است برای مقایسه تغییرات یک پدیده در دو زمان متفاوت. برای ارزیابی و پایش هر موضوعی شاخص‌هایی تعیین می‌شود، شاخص‌های توسعه پایدار به طور کلی به ۴ شاخص اصلی و ۵۸ شاخص فرعی تقسیم‌بندی می‌شوند. شاخص‌های اصلی توسعه پایدار در چهار سطح شاخص‌های زیست محیطی، شاخص‌های اقتصادی، شاخص‌های نهادی، شاخص‌های اجتماعی هست (کمیته ملی توسعه پایدار، ۱۳۸۷).



شکل ۳. شاخص‌های توسعه پایدار (فراستخواه، ۱۳۸۹)

کاربرد شاخص‌های فوق این امکان را به ما می‌دهد تا دریابیم که آیا اقدامات ما در جهت توسعه پایدار بوده است یا خیر؟ در صورتی که تمامی جوانب امر را در اقدامات خود در تعامل میان سه مؤلفه توسعه پایدار مورد ملاحظه قرار دهیم حاصل کار به‌عنوان توسعه پایدار مطلوب

خواهد بود که در نمودار ۲ نشان داده شده است. در غیر این صورت نمودار ۱ بیانگر توسعه پایداری است که چندان مطلوب نیست زیرا مؤلفه‌های توسعه پایداری در آن به طور کامل با یکدیگر در تأمل نمی‌باشند (همان منبع)



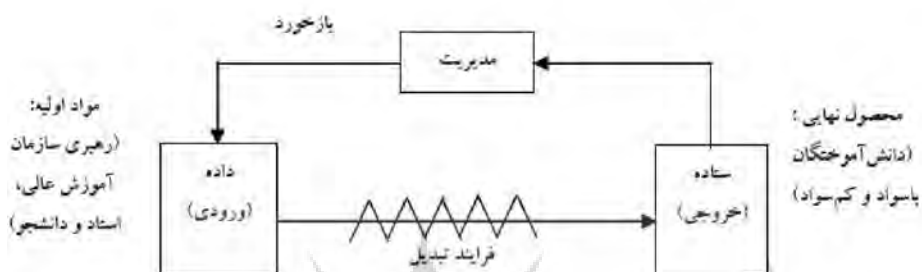
شکل ۴. برگرفته از مدل کمیته ملی توسعه پایداری، ۱۳۸۷

نظام آموزش عالی و رویکرد سیستمی

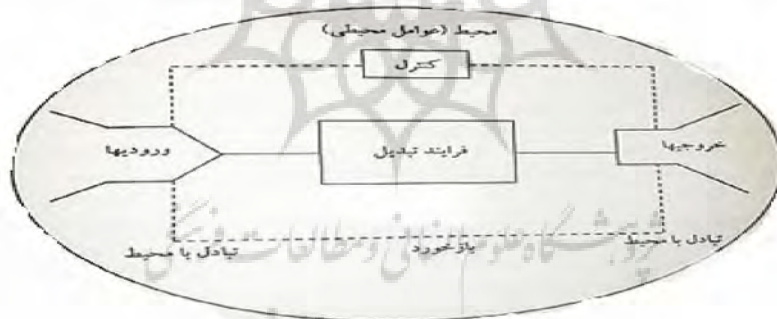
سیستم عبارت است از اجزای به هم پیوسته و مرتبط باهم که به نحوی تنظیم گردیده‌اند که یک کل مجزا از تک تک اجزاء را به وجود می‌آورند. جوامع بشری نوعی دستگاه‌اند. این دستگاه‌ها داده‌هایی را به دست می‌آورند، سپس از تغییر و تبدیل آن‌ها ستاده‌هایی را تولید می‌کنند (مورهد و گریفین). درحالی که سازمان‌ها خود از قسمت‌ها و یا دستگاه‌های فرعی تشکیل شده‌اند، خود سازمان‌ها نیز سیستمی فرعی از دستگاه‌های بزرگ‌تر به حساب می‌آیند. اگر توجه ما به یک دانشکده معطوف شود و آن را یک سیستم بنامیم، یک ابر سیستم محسوب می‌شود و بخش‌های درونی نظیر حسابداری و مدیریت زیر دستگاه‌های فرعی محسوب می‌شوند (نجف بیگی، ۱۳۸۸).

ویژگی اصلی نگاه سیستمی این است که سیستم در تعامل و یکپارچگی اجزاء است نه عمل هر یک از اجزاء به طور مستقل. لذا، تفکر سیستمی کمک می‌کند که پیوندهای بین همه

اجزاء و عوامل سازمان (آموزش عالی) درک گردیده و بیشن جامع‌تری نسبت به موضوع پیدا شود و با درک علل ریشه‌ای مسائل و تمرکز بر معلول، به علل مسائل و مشکلات پی برده می‌شود (پور صفر، ۱۳۸۳).



شکل ۴. فرآیند آموزشی (کافمن و هری، ۱۳۹۱)



شکل ۵- نظام آموزشی (کافمن و هری، ۱۳۹۱)

در رویکرد سیستمی هریک از اجزاء با اجزای دیگر در تعامل کامل است، تغییر در هریک از این اجزاء موجب برهم خوردن تعادل در سیستم می‌شود و بازنگری جهت گرفتن

نتیجه مطلوب از طریق مکانیزم بازخورد انجام می‌گیرد. دترت و جنی^۱ (۲۰۰۰) از تفکر سیستمی در راستای توسعه صحبت می‌کنند. تفکر سیستمی مستلزم این است که همه اعضای سازمان چگونگی تأثیر اقداماتشان را بر دیگر افراد در نظر داشته باشند. این رویکرد کلی در یک مرکز آموزش عالی می‌تواند با استفاده از اهداف روشن و مشترک توسط استادان، دانشجویان و مدیران نمایان شود. این اهداف باید در همه فعالیت‌های دانشگاهی توسط فرآیندهای برنامه‌ریزی راهبردی شکل گیرد (زینک و اشمیت، ۱۹۹۵).

مفاهیم کیفیت و تضمین کیفیت برای آموزش عالی

کیفیت به علت اینکه یک مفهوم ذهنی است تعاریف مختلفی از آن شده است کیفیت یک مفهوم پیچیده است. معنای آن نزدیک فرد به فرد دیگر و از یک سازمان به سازمان دیگر متفاوت است. به هر حال تعریف راهبردی کیفیت برای مؤسسات رقابتی در بازار جهانی خیلی مهم است. فرز^۲ به کیفیت، به عنوان فرایندی که همه افراد به نوعی با آن سروکار دارند، اشاره می‌کند که نیمرخی از کیفیت همیشه با عینیت همراه نیست و با ذهنیت افراد حرکت می‌کند و به همین خاطر به راحتی قابل سنجش و اندازه‌گیری نیست؛ بنابراین هم واژه هنجار مدار و معیار مدار در مورد کیفیت می‌تواند صحیح باشد (ریچارسون^۳، ۱۹۹۸).

کیفیت معادل کلمه لاتین «quality» و به معنای چگونگی است. کیفیت را می‌توان انجام دادن کارها به روش درست و مستمر در سازمان تعریف کرد. انجام دادن کار درست و به‌طور پیوسته، در صورت تأمین نیازها و خواسته‌های متقاضیان و مصرف‌کنندگان ممکن است (تنعمی، ۱۳۹۱).

-
1. Detert and Jenni
 2. Ferez
 3. Richardson

مفهوم تضمین با کنترل متفاوت است. ملیا (۱۹۹۴) تضمین کیفیت^۱ را به استانداردها ربط می‌دهد. تضمین کیفیت به برنامه‌ریزان آموزش عالی اطمینان می‌دهد که دانشگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و فراگیران به سطح مناسب استانداردها دست‌یافته‌اند. به علت گستردگی زمینه‌های کاربرد این واژه وودهاوس^۲ (۱۹۹۹) اعتقاد دارد که نباید در تعریف کیفیت هیچ‌گونه قیدی گذاشته شود. کیفیت تلاشی است برای تضمین اینکه کالای تولیدشده با معیارهای تعیین‌شده از قبل مطابقت داشته باشد. در واقع، تضمین به‌عنوان ابزاری برای تولید کالاها و محصولات بدون عیب و نقص در نظر گرفته می‌شود. تضمین کیفیت به‌منظور تحقق مشخصه تولید و به‌طور مستمر و انجام کارها به‌طور صحیح در اولین مرحله و در تمام مراحل خواهد بود. تضمین کیفیت مسئولیت را معمولاً به نیروی کار گروهی می‌سپارد. سیستم تضمین کیفیت مشخص می‌کند که محصولات یا خدمات چگونه و با چه استانداردهایی تولید بشوند (تنعمی، ۱۳۹۱). براین اساس تضمین کیفیت عبارت خواهد بود از تمام فعالیت‌ها، خط‌مشی‌ها و فرآیندهایی که هدف اصلی آن‌ها نگهداری ارتقای کیفیت است و بر مسئولیت‌پذیری همه برنامه‌ریزان دانشگاهی تأکید دارند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸).

تضمین کیفیت فرایندی آینده‌نگر و نیازمند یک سامانه بازخورد قوی است و با اجرای اصول آن در هر سازمانی می‌توان عملکرد و خدمات ارائه‌شده را پایش کرد. در این رویکرد سیستماتیک می‌توان از بروز خطا جلوگیری کرد و همچنین می‌توان اطمینان داد که از لحاظ عوامل نظام آموزشی (درونداد، فرایند و بروندادهای واسطه‌ای و نهایی)، آموزش عالی در حوزه کیفیت آموزش در چه جایگاهی قرار دارد و آیا اهداف آن به‌درستی قابل حصول می‌باشند یا نه؟ ایجاد مکانیسم تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی در راستای توسعه پایدار امری اجتناب‌ناپذیر هست، زیرا دانشگاه‌ها از جمله مهم‌ترین نهادهایی هستند که جوامع جهت

-
1. Assurance quality
 2. Woodhouse

رشد و توسعه به آن‌ها نیاز دارند لذا پاسخگویی و بهبود کیفیت در آن‌ها الزامی است (بازرگان، ۱۳۸۲).

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش عالی در چند دهه با چالش‌های بنیادی زیادی مانند جهانی‌شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تحولات سیاسیاجتماعی، یادگیری مادام‌العمر و جامعه دانش‌بنیان روبرو است؛ اما این چالش‌ها در جوامع امروزی با ایجاد فرصت‌های جدید نقشی کلیدی ایفا می‌نمایند. راه‌حل مناسب آموزش عالی برای تأثیرگذاری در عرصه جهانی، فراهم کردن زمینه مساعد برای توسعه و بهره‌برداری مفید از توانایی‌های دانشجویان است و صرفاً تمرکز برافزایش نرخ ثبت‌نام در دانشگاه‌ها نیست. دانشگاه‌ها برای دانش ارزش قائل هستند. به همین دلیل آن‌ها خواهان وضوح در مورد امر ناشناخته شده و چگونگی آن هستند. دانشگاه‌ها از طریق فارغ‌التحصیلان به انتقال اطلاعات، تئوری‌ها، روش‌ها، مهارت‌ها و فرهنگ درون جامعه و در مقیاس بزرگ اقتصاد کمک می‌کند. هم‌چنین دانشگاه‌ها برای پی‌جویی دانش ارزش قائل هستند و باید بر روی نواقص فعلی و آینده تأکید کنند. توسعه پایدار در ارتباط با همه زندگی فکری ماستو از ما می‌خواهد از آنچه می‌دانیم بهره‌بریم. شک و تردیدها را از بین ببریم و به‌وسیله یادگیری، با چالش‌ها فعلی و آینده مقابله نماییم؛ بنابراین تا حدی یک مشابهت در منافع آموزش عالی و توسعه پایدار به وجود آمده است. برای رسیدن به توسعه پایدار، نظام آموزشی یکی از عناصری است که می‌توان راه رسیدن به توسعه را هموار سازد و مسیر آن را به‌سوی توسعه هموار هدایت کند اما مقوله‌ی مهمی که در آموزش برجسته است کیفیت محصولات و بروندادهای نظام آموزشی است. امروزه توسعه پایدار یکی از دغدغه‌های هر دولت و سرزمینی است که برای نسل آینده خود برنامه‌ریزی دارد. کیفیت نظام آموزشی به استانداردهای از قبل تعیین‌شده باعث می‌شود هم به اهداف خود برسیم هم به ایده آل‌های مورد انتظار.

اگرچه نقش آموزش در هر جامعه‌ای کاملاً مشخص و محرز هست، اما طی سال‌های طولانی که دولت‌ها به هزینه - فایده‌اقتصادی این امر پرداخته‌اند، کمتر به چگونگی ارتقای کیفی آن در راستای توسعه محوری جامعه اهمیت داده‌اند. امروزه مفهوم توسعه پایدار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه مطرح بوده و از این رو پرداختن جدی به این مبحث هم از جهت توسعه و هم از جهت آموزش بسیار جدی هست. هر نظام آموزشی باید به خروجی‌های خود آموزش‌های زیر را بدهد:

- مهارت شغلی و زندگی را آموزش دهد؛
 - خلاقیت و نوآوری را پرورش دهد؛
 - مهارت ادراکی را تقویت کند؛
 - توانایی مهارت‌های تصمیم‌گیری را افزایش دهد؛
 - به پرورش و تقویت روحیه پژوهشی منجر شود؛
 - توانایی ارزیابی و نظارت بر خود را افزایش دهد.
- هر نظام آموزشی که خروجی آن دارای ویژگی بالا نباشد، آموزش غیرتوسعه‌ای است و نمی‌تواند به رفتارهایی سازگار با توسعه پایدار که اساس آن تعامل سازنده و تکاملی با طبیعت و سار انسان‌ها و تضمین‌کننده رفاه و عدالت بین و درون نسلی است، منجر گردد. مدل پیشنهادی این تحقیق می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تدوین برنامه‌های کیفیت و توسعه پایدار در سایر مراکز آموزشی، ارزیابی نظام آموزش عالی کشور از دید توسعه پایدار، چراکه اساس توسعه پایدار کشور از کانال آموزش و بخصوص آموزش عالی می‌گذرد، در غیر این صورت خروجی‌های نظام آموزشی به‌عنوان عوامل ضد توسعه عمل خواهند کرد، ارزیابی عملکرد دانشگاه‌ها و ارائه بازخورد مناسب، شناسایی مؤلفه‌های کیفیت در آموزش عالی، پذیرش تغییر در نظام آموزش عالی برای رسیدن به سطح مطلوب کیفیت مورد استفاده قرار گیرد.

منابع فارسی

- ادوارد سایس. (۱۳۸۰). مدیریت کیفیت فراگیر در آموزش (ترجمه سید علی حدیقی). تهران: نشر هوای تازه.
- بازرگان، عباس و اسحاقی، فاخته. (۱۳۸۷). تحلیل فرآیند هدف گذاری در ارزیابی درونی کیفیت گروه های آموزشی. فصلنامه مطالعات تربیتی و روانشناسی فردوسی مشهد، شماره ۳۳.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۲). ظرفیت سازی برای ارزیابی و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی. فصلنامه مجلس و پژوهش سال، ۱۰ شماره ۴۲.
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۶). ساختاری به منظور بررسی کیفیت آموزش عالی در ایران، چکیده کتاب. کنگره سوم ارزیابی درونی در محیط علمی، تهران.
- پور صفر، علی. (۱۳۸۲). ارزشیابی کیفیت نظام آموزش عالی با رویکرد سیستمی. مجموعه مقالات همایش منطقه ای مؤلفه های کیفیت در آموزش عالی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- تنعمی، محمدمهدی. (۱۳۹۱). مدیریت دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی. تهران: انتشارات سمت.
- جاودانی، حمید. (۱۳۹۲). نقش آفرینی دانشگاه در فرآیند توسعه پایدار، از رهگذر تولید سرمایه اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ششم شماره ۱.
- سازمان برنامه و بودجه. (۱۳۸۲). آموزش برای توسعه. تهران.
- سلطانی، ایرج. (۱۳۸۳). نقش تکنولوژی اطلاعات در توسعه منابع انسانی. سایت تدبیر.
- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۸). مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش. اصفهان: جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۵). نقش توسعه منابع انسانی در کارایی. سایت آفرینش
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی. تهران: انتشارات نی.

قورچیان، نادرقلی. (۱۳۸۲). *دایره المعارف آموزش عالی*. تهران: انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

کافمن، راجر و هرمن، جری. (۱۳۹۱). *برنامه ریزی استراتژیک در نظام آموزشی* (ترجمه عباس بازرگان و فریده مشایخ). تهران: انتشارات مدرسه.

کانجی وام-شر، جی کی. (۱۳۸۱). *۱۰۰ روش کاربردی در استقرار مدیریت کیفیت جامع* (ترجمه اسماعیل صادقی، رامبد باران دوست). تهران: شرکت بوتان.

کمیته ملی توسعه پایدار. (۱۳۸۷). *شاخص‌های توسعه پایدار*. تهران.

کی، هو، ساموئل. (۱۳۷۹). *مدیریت کیفیت جامع: نگرش منسجم* (ترجمه حسین زاده). تهران: انتشارات آوا.

گاف، استفین و اسکات. (۱۳۸۹). *آموزش عالی و توسعه پایدار* (ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین). تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

محمدی، رضا. فتح آبادی، خلیل. یادگارزاده، غلام رضا. میرزامحمدی، محمدحسین و پرند، کوروش. (۱۳۸۸). *ارزشیابی کیفیت در آموزش عالی*، تهران، مرکز انتشارات سازمان سنجش آموزش کشور.

مورهد، گریفین. (۱۳۸۸). *رفتار سازمانی* (ترجمه‌ی سید مهدی الوانی و غلامرضا معمازاده). تهران: انتشارات مروارید.

ناظمیان، حمید، اسلامی فر، علیرضا. (۱۳۸۹). *اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه پایدار* (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی). *مجله دانش و توسعه*، سال هجدهم، شماره ۳۳. نجف بیگی، رضا. (۱۳۸۸). *مبانی سازمان و مدیریت*. چاپ اول، ویرایش جدید، تهران: انتشارات ترمه.

یادگارزاده، غلامرضا، پرند، کورش. (۱۳۸۵). *اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش*

عالی سوئیس. *فصلنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی*، سال چهارم، شماره ۳ و ۴.

یمنی، محمد. (۱۳۸۲). *برنامه ریزی توسعه دانشگاهی*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

- Ben A. maguad & Robert m Krone. (2012). *Managing for Quality in Higher Education*, publishing APS.
- Blackmur, D. (2007). A critical analysis of the UNESCO guidelines for quality provision of cross-border higher education. *Quality in Higher Education*, vol 13.No 2, pp 110-125.
- Detert, J.R. and Jenni, R. (2000). “An Instrument for Measuring Quality Practice in Education”; *Quality Management Journal*, Vol. 7, No. 3, pp.20-37.
- Farasatkah, Maghsoud (2006); *Development of a Model for Quality Assessment and Accreditation of Higher Education in Iran*; Based on the Global and Local Experiences. Doctorate Thesis in Higher Education, Guide Professor: Dr. Abbas Bazargan, Faculty of Education and Psychology, Tehran: Shahid Beheshti University (in Persian).
- Melia, t, (1994). ‘Inspecting quality in the classroom: an HMI perspective’ in green, D. (Ed), *what is quality in higher education?* (Buckingham, Open university press and society for research into higher education).
- P.Jones, et al.(2010). *Sustainability education: perspectives and practice across higher education*, Earthscan.
- D.Tilbury, *Education and sustainability: responding to the global challenge*, IUCN, (2002).
- P.Pillay, *Linking Higher Education and economic development: implications for Africa*, Chet, 2010.
- Richardson Key(1998), The Quantifiable Feedback: can it Really Measure Quality? *Quality Assurance in Educational*, vol 6, No4.
- Smulders, J. & L. Bretschger (2007) “Sustainable Use of Resources and Economic Dynamics”, *Journal of Environmental & Resource Economics*, Vol.36,
- Woodhouse, D. (1999). ‘Quality and quality assurance’ in *organization for economic co-operation and development (OECD)*, 1999, Quality and internationalization in higher education, program on institutional management in higher education (IMHE), Paris. OECD.
- World Bank (2005) *Empowering people by Transforming institutions: Social Development in World Bank Operations*. UK: the international Bank For Reconstruction and Development, Social Department, World Bank Board of Executive Directors, January 2.
- World Bank: *constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education* Washington, D.C: World Bank, 2002.
- Zink, Z.L. and Schmidt, A. (1995). “Measuring Universities Against the European Quality Award Criteria”; *Total Quality Management*, Vol. 6, No5/6.